

نقد و بررسی ربای تولیدی

دکتر سید محمد محمودی گلپایگانی *

چکیده

فقه پژوهان از دیر زمان ربا را مشتمل بر دو قسم معاملی و قرضی دانسته و برای هر یک احکام و شرایطی مقرر نموده‌اند. اقسام ربا از سوی بعضی از اندیشمندان در عصر اخیر بررسی شده است و برخی از متفکران مسلمان ربای قرضی را مشتمل بر دو قسم مصرفی و تولیدی دانسته و به حلیت ربای تولیدی نظر داده‌اند؛ زیرا آنان این نوع از ربای قرضی را پدیدای نو و بیسابقه میدانند که در سیستم بانکی دنیای جدید شکل گرفته و فاقد نتایج ظالمانه و زیان بخشی است که در ربای مصرفی وجود دارد.

در این نوشتار پیشینه ربای تولیدی در گذشته بررسی و دلایل فقهی و اقتصادی یکسان بودن هر دو نوع ربای قرضی از نظر ماهیت و حکم شرعی تبیین شده است. از طرفی ادله معتقدان به حلیت ربای تولیدی و نظریه "سد ذرایع" در مورد ربای معاملی بررسی شده است و در نهایت نظام مشارکت به جای نظام بهره در سیستم بانکداری توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: ربای معاملی، قرضی، ربای استهلاکی، ربای تولیدی، سد ذرایع، نظام مشارکت.

مقدمه

پدیده ربا از عوامل مهم بی‌عدالتی و ناهنجاری‌های اقتصادی در جامعه بشری بوده، بدین سبب در ادیان الهی همواره نکوهش و تحریم شده است. (کتاب مقدس تورات، سفر لاویان باب ۲۵ و ۳۵، سفر خروج باب ۲۲ و ۲۵، انجیل متی، فصل ۵، ۱۷ و ۱۹ و انجیل لوقا، فصل ۶، ۳۴ و ۳۵) ربا خواری در میان یهودیان برغم تحریم آن در تورات در طول تاریخ بوفور جریان داشته است و از آن جا که ربای قرضی در همه زمان‌ها رواج بیش تری داشته، قوم یهود در این مورد سابقه‌ای طولانی دارند.

ربا در آیین مسیحیت نیز تا قبل از رنسانس ممنوع بوده است؛ ولی پس از تحولات سیاسی و فرهنگی در قرن‌های پانزدهم تا هجدهم میلادی رسماً در جهان مسیحیت ربا تجویز گردید. تغییرات بنیادین سیاسی اجتماعی و اقتصادی در کشورهای اروپایی، کنار رفتن کلیسا از مصدر قدرت، کشف امریکا، گسترش روابط تجاری و بازرگانی بین شرق و غرب، پیدایش مکتب اقتصادی مرکانتلیسم که پول را مهم‌ترین و عمده‌ترین عامل ثروت ملت‌ها می‌شمرد و علت‌های دیگر باعث شد که عده زیادی از اقتصاددانان با تحریم بهره مخالفت ورزند و راه‌هایی برای تجویز ربا پیشنهاد کنند.

سپس بر اثر ارتباطات و مراوده بین کشورهای اسلامی و دولت‌های غربی به موجب این اصل که اصولاً تمدن حاکم، فرهنگ و آداب و رسوم و قوانین خود را به ملت‌های محکوم منتقل می‌کنند، سیستم بانکی ربوی در کشورهای اسلامی نیز دایر گردید. در این میان برخی اندیشمندان بر پایه رویکرد توجیه و تطبیق احکام دینی با واقعیت‌های دنیای مدرن بر آن شدند که حساب بهره و ربای بانکی را از ربای قرضی که در گذشته رایج بوده است جدا و در نتیجه چالش عدم انطباق ربای بانکی را با قوانین اسلامی را بدین گونه بر طرف نمایند.

در این جستار بر آنیم که این مسأله را مورد بررسی قرار دهیم که آیا آنچه امروزه در بانک‌های ربوی زیر عنوان سود و سرمایه برحسب زمان و نرخ بهره رایج است و برخی از آن به "ربای تولیدی" تعبیر کرده‌اند و آن را پدیده‌ای نو دانسته‌اند و حکم به حلیت آن کرده‌اند، واقعاً پدیده‌ای جدید است یا در گذشته و حتی در عصر جاهلیت نیز وجود داشته است؟

سپس آیا دلایل تحریم ربا تنها به ربای استهلاکی که در زمان‌های گذشته شیوع بیش تر داشته

اختصاص دارد یا از عمومیت در دلالت برخوردار است و شامل ربای تولیدی نیز می‌شود؟ در این مقاله ضمن بررسی اقسام ربا و تحقیق در خصوص پیشینه ربای تولیدی در تاریخ و چگونگی طرح آن در عصر اخیر، ربای تولیدی از نظر اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته، سپس به بحث درباره آن از نظر فقهی پرداخته شده و ادله قائلین به حلیت آن مورد رد و نقد قرار می‌گیرد. آن‌گاه نظریه سد ذرایع که بین فقهای اهل سنت رایج است، در مورد ربا طرح، نقد و رد خواهد شد و در پایان به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد توجیه، تطبیق و رفع ید از عمومیت نصوص و فتاوا نمی‌تواند در این مسأله مشکل را حل نماید و سرانجام رفع این معضل را باید در توسعه و تکمیل سیستم بانکداری اسلامی بر پایه نظام مشارکت جست و جو کرد.

ربا در دین اسلام

ربا در دین اسلام از گناهان بزرگ شمرده شده و شدت حرمت آن در بین گناهان کم نظیر است. قرآن کریم ربا را همانند جنگ با خدا و پیامبر تلقی کرده است. حداقل در قرآن ۷ آیه به حرمت ربا تصریح دارد (سوره بقره آیه‌های ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸ و ۲۷۹ و سوره آل عمران آیه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱ و سوره نساء آیه ۱۶۱) از جمله آن‌ها این آیه است:

”یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون“ (بقره، ۲۷۸ و ۲۷۹)

در سنت و روایت رسیده از پیامبر و ائمه علیهم السلام نیز تحریم ربا بروشنی دیده می‌شود؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: ”یا علی در هم ربا اعظم عند الله من سبعین زینه کلها بذات محرم فی بیت الله الحرام“ (شیخ حر عاملی ۱۳۸۳، ۱۲، ۴۲۶)

همچنین در فتاوا و نظریات فقهی علمای فریقین بر تحریم ربا فی الجمله تصریح شده است؛ ولی در فروع مسائل و شرایط تحقق عنوان ربا اختلاف نظرهایی وجود دارد. ابن ادریس حرمت ربا را به شریعت اسلام نسبت داده است: ”الربا محظور فی شریعه الاسلام“. (ابن ادریس ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۵۰). قدر مسلم این است که حرمت ربا در بیع و قرض نزد فقها قطعی است، ولی برخی مانند شیخ طوسی در خلاف و مبسوط و سلار در مراسم و ابن حمزه در وسیله آن را به بیع اختصاص داده‌اند، ولی اکثر فقها حرمت آن را در قرض قائل هستند و در غیر بیع و قرض، بر اساس قاعده تسلط، حکم به

جواز داده‌اند.

اقسام ربا

ربا از نظر فقهی بر دو قسم "معاملی" و "قرضی" تقسیم می‌شود. ربای معاملی آن است که کالایی با هم جنس آن به طور پایاپای مبادله شود.

در ربای معاملی دو شرط لازم است:

۱. کالای مورد معامله از دو طرف هم جنس باشد:

۲. کالا با مقیاس وزن یا کیل معامله می‌شود (محقق حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۷).

ربای قرضی آن است که شخص پولی را به دیگری وام دهد و شرط کند که وام‌گیرنده هنگام پرداخت به او سود (هر گونه نفع اضافی) بدهد. در گذشته ربای معاملی رواج داشته، ولی در عصر حاضر آنچه بیش تر رایج است ربای قرضی است و سیستم بانکی به صورت سازمان یافته در سراسر جهان شبکه گسترده بهره‌کاری و معاملات ربوی را رهبری می‌کند.

برخی از متفکران جهان اسلام مانند شهید سید محمد باقر صدر برای نجات مسلمانان از وضع کنونی به فکر چاره‌جویی افتاده، تأسیس بانک اسلامی را مطرح نمودند که متأسفانه طرح آنان به طور کامل و دقیق مورد اجرا قرار نگرفت.

شماری دیگر از محققان از راه توجیه و آرایه فرضیه‌های ترمیمی و اصلاحی وارد صحنه شده و برای ربای قرضی نیز دو قسم تصویر نمودند:

۱. **ربای استهلاکی** (مصرفی): در این مورد، قرض‌گیرنده به دلیل نیاز مالی برای اداره زندگی خود ناچار به گرفتن وام می‌شود و سپس توان پرداخت آن را ندارد. از آن جا که تأخیر در پرداخت موجب اضافه شدن سود و مضاعف شدن بدهکاری او می‌گردد، این گروه معتقدند ربای حرام تنها ربای استهلاکی است؛ زیرا در این نوع ربا ظلم آشکار است و اجحاف به وام‌گیرنده وارد می‌شود.

۲. **ربای تولیدی**: در این مورد، قرض‌گیرنده به منظور سرمایه‌گذاری در کار تولیدی برای سودآوری از دیگری قرض گرفته و هدفش از این کار سود بردن است. در عین حال شرط می‌کند که به قرض‌دهنده مبلغی سود بدهد. گروه یاد شده این نوع ربا را حلال دانسته‌اند؛ زیرا به نظر آنان، این نوع از ربا در عرصه داد و ستد پدیده‌ای نو محسوب می‌شود و مشمول احکام و مقررات ربا نیست. از سوی دیگر

عقیده دارند در فرایند این نوع ربا نسبت به وام گیرنده ظلم و اجحافی وارد نمی شود. (دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۵، ص ۲۹ و صناعی، یوسف، ۱۳۸۳، ص ۳۱ و ۳۳).

پیش از تحقیق و بررسی در خصوص ربای تولیدی در ابعاد فقهی و حقوقی و اقتصادی، به بررسی پیشینه این نوع ربا میپردازیم:

پیشینه ربای تولیدی

به موجب شواهد تاریخی، پدیده ربا در عربستان به وسیله یهودیان و مسیحیان مهاجر رایج و متداول گردید و اعراب بتدریج این روش را از آنان آموختند؛ لذا پیامبر در پیمان صلحی که با مسیحیان نجران امضا نمود، مقرر کرد که از ربا خودداری کنند؛ ولی آنان به این پیمان وفا نکردند و سرانجام خلیفه دوم آنان را از آن سرزمین اخراج کرد. (ابوعبیده، ۱۳۹۵ق، ص ۲۰۲).

ربا در شهرهای بزرگ عربستان مانند مکه و مدینه و طائف رواج داشته است و آنچه از آن به "ربای جاهلی" تعبیر میشود، اقسام مختلفی داشته و از ۱۰ قسم متجاوز است که از جمله آنها "ربا در قرض مصرفی" و "قرض تولیدی" بوده است.

ربای مصرفی برای رفع نیاز و به حکم ضرورت گرفته می شد؛ ولی ربای تولیدی به منظور سرمایه گذاری و کار بازرگانی بین تاجر و صاحب سرمایه داد و ستد می شده است. شک نیست که ربای استهلاکی نیز در جاهلیت رواج داشته و هر گاه وام گیرنده از پرداخت قرض خود ناتوان بود، وام دهنده با دو برابر کردن مبلغ، مدت بازپرداخت پول را تا یک سال تمدید میکرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۱۹).

برخی از تحقیقات گویای آن است که ربای تولیدی نیز در زمان جاهلیت وجود داشته است. لذا این گفته: "لیکن امروزه صورتی دیگر برای ربا متصور است که بندرت در گذشته یافت می شد و از مختصات زندگی پیشرفته امروزی است و آن این که شخص ثروتمند جهت سرمایه گذاری ... نیاز به سرمایه تکمیلی دارد ... این نوع ربا را ربای تولیدی و انتاجی مینامند؛ قابل نقد و بررسی است؛ بویژه آن که بر اساس این گفته، حکم به حلیت آن شده است (صناعی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

بر خلاف آنچه در متن بالا آمده است، ربای تولیدی در جاهلیت نیز رواج داشته و از اقسام ربای جاهلی بیرون نمی باشد در کتاب های تفسیر و تاریخ شواهدی را که دال بر این مطلب است می توان

یافت:

۱- عباس بن عبدالمطلب و بنی مغیره با بعضی از بنی ثقیف قبل از اسلام معاملات ربوی گسترده داشته‌اند. بدیهی است با توجه به شرایط و موقعیت این اشخاص و قبایل آنان، ربای رایج بین آن‌ها از نوع استهلاکی نبوده، بلکه قطعاً از نوع ربای تولیدی بوده است. (رشید رضا، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۱۰۳).

۲. به نقل طبری، در ایام جاهلیت، صاحبان ثروت به افراد قرض می‌داند تا قرض کنندگان بتوانند ثروت خود را فزونی بخشند، و این از طریق به کارگیری اموال قرض شده بود. (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱ ش، ص ۹۱).

۳. عباس و خالد بن ولید در کار ربا با هم شرکت داشتند و ثروت بسیاری در ربا به چنگ آورده بودند و در طرف مقابل آنان جماعتی از بنی ثقیف بود که به موجب نقل تاریخ از وضع اقتصادی خوبی برخوردار بوده‌اند. پس از طلوع اسلام و نزول آیه ۲۷۹ سوره بقره پیامبر فرمود: "آن کل ربا من ربا الجاهلیه موضوع و اول ربا اضعه ربا عباس بن عبدالمطلب" (طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۳۹۲).

۴. از بعضی روایات که از ائمه معصومین -علیهم السلام- نقل شده و حکم قرض انتاجی سؤال شده و امام پاسخ داده‌اند، در خواهیم یافت که این نوع ربا در آن زمان نیز وجود داشته است. روایت زیر در این خصوص قابل توجه است:

"عن اسحاق بن عمار عن ابی الحسن (ع) قال سألته عن الرجل یكون له علی رجل مال قرضاً فیعطیه الشی من ربحه فخافه ان یقطع ذلک عنه فیأخذ ما له من غیر ان یكون شرط علیه، قال لا بأس به ما لم یکن شرطاً؛ اسحاق بن عمار گفت: از امام کاظم (ع) سؤال کردم از مردی که به دیگری مالی را به قرض داده، سپس قرض گیرنده از ترس این که او مال خود را پس بگیرد، مقداری از سود خود را به قرض دهنده می‌دهد بی آن که شرط سود بر او کرده باشد. امام فرمود: هر گاه سود قبلاً شرط نشده باشد مانعی ندارد" (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۱۰۴).

از حدیث بالا سه نکته استفاده میشود:

۱. قرض تولیدی برای سرمایه‌گذاری و تحصیل سود در آن زمان رایج بوده است؛
۲. پرداخت سود در این نوع قرض بدون شرط قبلی بی اشکال است؛
۳. پرداخت سود با شرط قبلی و قرض یاد شده از مصادیق ربا و حرام است (این حکم مفهوم مخالف شرط ذکر شده در حدیث است).

بر اساس روایت یاد شده از نظر حکم حرمت، ما بین ربای استهلاکی و تولیدی فرقی نیست. ۵. در کنفرانس اقتصادی دانشگاه محمد بن سعود نیز این موضوع مورد تأیید قرار گرفته است. در گزارش کنفرانس آمده است: «و قدّرد الفكر السائد فی المؤ تمر علی هذا الرأى بان قریشاً كانت تعرف القروض الانتاجیه علی صوره الا شتراک فی القوافل و ان النصوص جائت عامه فی تحریم الربا فتشتمل هذه الصوره تلقائياً» (www.Naralkira.com/book/d5n.htm).

اندیشه حلیت ربای تولیدی در عصر اخیر

برخی از محققان جدید اهل سنت ربای قرضی را به دو قسم «استهلاکی» و «انتاجی» (تولیدی) تقسیم نموده‌اند و عقیده دارند که آنچه در اسلام تحریم شده ربای استهلاکی است و ربای تولیدی مشمول حکم حرمت نیست.

از جمله کسانی که به اظهار این نظریه پرداخته رشید رضا، دانشمند مصری، است. او در این مورد گفته است:

«قد علم مما تقدم فی تفسیر الآیات انها انما نزلت فی وقایع كانت للمرابین من المسلمین قبل التحريم فالمراد بالربا فیها ما كان معروفاً فی الجاهلیه من ربا انسیته ای ما یوخذ من المال باجل الانسا، ای التأخیر فی اجل الدین ... فهذا ماورد القرآن بتحریمه لم یحرم فیہ سواه و قد وصفه فی آیه آل عمران التی جائت دون غیرها بصیغه النهی: یا ایها الذین امنوا لا تاكلوا الربا اضعافاً مضاعفه: از آنچه قبلاً گفته‌ایم معلوم شد که این آیات در مورد حوادثی نازل شده که ما بین مسلمانان ربا خوار قبل از تحریم ربا اتفاق افتاده است. پس منظور از ربا در این آیات چیزی است که در جاهلیت شناخته شده بوده است و آن ربای تأخیر است، یعنی آنچه از مال گرفته می‌شد تا بستانکار مدت بازپرداخت وام را به تأخیر بیندازد... این چیزی است که قرآن حکم به حرمت آن کرده و جز این قسم در قرآن تحریم نشده است و این نوع ربا در سوره آل عمران که تنها در این آیه با صیغه نهی آمده است توصیف نموده است. ای گروه مؤمنان ربا را به طور مضاعف و چند برابر نخورید» (رشید رضا، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۱۱۳).

مشابه این نظریه از برخی دانشمندان دیگر مانند معروف الدوالیبی و مصطفی الزرقاء در مجلات علمی نقل شده است (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰).

در بین دانشمندان مذهب شیعه نیز اخیراً برخی این نظریه را پذیرفته و از آن دفاع نموده‌اند. به ذکر دو

نمونه بسنده می‌کنیم:

"اینک مسأله این است که آیا می‌توان گفت ادله حرمت ربا شامل این مورد (قرض برای تولید و سرمایه‌گذاری همراه با سود) همراه با سود هم میشود یا خیر؟ مشهور فقیهان به اطلاق و عموم روایات و آیات استناد کرده و آن را تحریم کرده‌اند، ولی مدعای ما این است که این قسم حرام نیست و ادله تحریم شامل آن نمیشود" (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

ربایی که شارع حرام کرده، همان ربایی است که بین اشخاص حقیقی جریان داشته و مسأله استنمار مطرح بوده است. با ملاک قرار دادن عناوین، باید دید که ربای متداول امروز در بانک مشمول عنوان استنمار است یا خیر.

"اصلاً ربای بانکی برای این است که پول‌های سرگردان را به کار بیندازد و به واسطه آن افراد به کار بیفتند و چرخ اقتصاد جهان بچرخد" (نقد و نظر، ۱۳۷۴، شماره ۵، ص ۲۹).

ربای تولیدی از منظر حقوق اقتصادی

به گفته اقتصاددانان، سرمایه محصول کار است. به عبارت دیگر: سرمایه کار تجسم یافته و مادیت پذیرفته است. در این صورت، چنان که کار سودآور است سرمایه نیز میتواند مولد و سودآور باشد و همان طور که هر گاه انسان با ابزار کار کند سهمی از سود به آن تعلق می‌گیرد، سرمایه نیز بخشی از سود را به خود اختصاص می‌دهد.

توجه به این نکته ضرورت داد که آنچه در این موارد مولد و سودآور است "عینیت سرمایه" است، یعنی حقیقت وجود خارجی آن؛ ولی اگر سرمایه به جای عینی، اعتباری باشد در این صورت نمی‌تواند سودآور باشد؛ چنان که هر گاه شخصی پول را به دیگری قرض می‌دهد، این سرمایه از عینیت برای او به واسطه قرض خارج می‌شود و سپس برای قرض گیرنده عینیت می‌یابد؛ سپس سود آن متعلق به قرض گیرنده است و قرض دهنده فقط اصل سرمایه را طلب‌کار خواهد بود.

از این جااست که گفته‌اند: پول عقیم و نازاست و هر گاه به قرض داده شد، ضامن، اصل پول است؛ ولی سودی به او تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا سود با تضمین قابل جمع نیست و آن جا که سود به قرض دهنده تعلق می‌گیرد، اصل سرمایه تضمین ندارد و در صورت پدید آمدن زیان، خسارت متوجه سرمایه است؛ مانند قرارداد مضاربه که سرمایه در آن سهمی از سود را دارد؛ ولی تضمین نمی‌شود.

بنابراین در قرض، وام دهنده عینیت مال خود را به دین تبدیل می‌کند و از این پس مالکیت عین، متعلق به وام‌گیرنده است و وام‌دهنده مالک آن مبلغ به صورت اعتباری است؛ یعنی مال او بیمه شده است، ولی سود نمی‌برد؛ چرا که سود محصول سرمایه عینی است، اما سرمایه اعتباری تولید و انتاج ندارد و اثری بر آن مترتب نمی‌شود؛ تنها متضمن این حسن است که تضمین دارد و بیمه شده است و سود متعلق به سرمایه عینی است که به قرض‌گیرنده تعلق دارد.

بنابراین در این خصوص بین اقسام ربا از مصرفی و استهلاکی با تولیدی و انتاجی فرقی وجود ندارد و ملاک یاد شده در همه موارد به گونه یکسان وجود دارد (مرتضی مطهری، ۱۳۷۵، ص ۴۹).

سپس در این مسأله بین فقهای ما تردیدی وجود دارد که احکام شرعی تابع ملاک‌ها و مصالح و مفاسد واقعی است و بویژه در احکام معاملات که شارع مقدس نسبت به آن‌ها نظر تأییدی داشته است و اساس آن مسائل را بنای عقلا و تشخیص عرف تشکیل می‌دهد. ملاکات احکام روشن تر و شفاف‌تر و فهم آن برای اهل فن آسان تر است و کم تر برای تردید در مسأله و ابتلائی به شبهه جایی باقی می‌گذارد.

به عبارت دیگر: پول نمی‌تواند جز در موارد خاص مولد باشد، بر خلاف کالاها که خاصیت تولیدی دارند؛ زیرا پول دارایی سه خاصیت است.

۱. مقیاس ارزش است؛

۲. واسطه مبادلات است؛

۳. ذخیره‌کننده ارزش است.

اما مقیاس ارزش بودن مولد نیست و به استعمال و کاربرد نیاز ندارد.

واسطه در مبادله بودن هم سودآور نیست و ارزش اضافی ایجاد نمی‌کند و این که ذخیره‌کننده ارزش است، خود به خود نمی‌تواند مولد باشد و ارزش اضافی ایجاد کند، مگر این که شکل کالا پیدا کند. در این صورت مسأله شکل دیگری پیدا خواهد کرد و پول تحت عنوان قراردادهای شرعی مانند مضاربه و شرکت و غیره میتواند مولد باشد. در چنین صورت‌هایی در حقیقت مالکیت پول به مالکیت اشیا و کالاها تبدیل شده است و این اشیا در چرخه داد و ستد قرار می‌گیرند و می‌توانند مولد باشند.

لیکن در ربای قرضی می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری با پول با خصوصیت پول بودن آن صورت گرفته است؛ زیرا در این قرض وام‌دهنده از آغاز تا پایان کار مالک پول در ذمه وام‌گیرنده است و متقابلاً وام

گیرنده بدهکاران مبلغ پول به وام دهنده است؛ پولی که هرگز مولد نیست (محمودی، ۱۳۸۱، ص ۴۰) نتیجه این که فلسفه اقتصادی حرمت ربا این است که پول با خصوصیت پول بودن عقیم و نازاست و از این رویکرد بین ربای تولیدی و مصرفی (استهلاکی) فرقی نیست.

نظریه اجمال در دلالت آیات ربا

برخی از محققان، در اثبات حلیت ربای تولیدی چنین گفته اند:

«آدله و شواهد ما بر این مدعا (حلیت ربای تولیدی) عبارت است از: دلیل اول: آیات قرآنی که ربا را مذمت می‌کنند و پیش از این آورده شده، گر چه بر اصل حرمت دلالت دارند؛ نسبت به بیان مصداق‌ها و موارد آن اجمال دارند.... پس بعضی از اقسام زیادتی حرام است و این بعض در آیات روشن نیست و قدر متیقن از این حرمت میتواند ربای استهلاکی باشد».

سپس جمله «و احل الله البيع و حرم الربا» را استینافی دانسته‌اند، نه حال از جمله قبل، و آن را احاله به حکم عقل و ارتکاز عقلا، تلقی کرده‌اند (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

به نظر می‌رسد قدر مسلم این است که معنای واژه ربا به (اضافه - زیاده) برای مردم عرب مفهوم بوده است و نیز مفهوم اصطلاحی آن را نیز که عبارت است از فزونی معامله و قرض، دریافته‌اند و از آن جا که قرآن به زبان مردم سخن گفته، معانی کلمات در این آیات روشن بوده است، لذا آیه: «و احل الله البيع و حرم الربا» (بقره/ ۲۷۵)؛ چه این که جمله حالیه باشد یا مستأنفه، در اصل حکم که بین مسلمین معهود و روشن بوده است، تغییری ایجاد نمی‌کند و در هر حال آیه در مقام بیان حکم جدید و تشریح ابتدایی حکم ربا نیست (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۴۰)؛ بلکه در مورد تاکید بر حکم معلوم و شناخته شده است و فرضاً اگر جمله مستأنفه باشد، چنان که اظهر همین است، آیه مبارکه در صدد بیان حلیت بیع و حرمت ربا در برابر پندار غلط ربا خواران است که به موجب مشابهت این دو پدیده حکم هر دو را نیز یکسان میدانستند. بنا براین، حکم آیه در حرمت ربا نسبت به اقسام مختلف آن، اطلاق و شمول دارد و ادعای اجمال در آیات قرآنی نسبت به مسأله ربا و گرفتن قدر متیقن (حرمت ربای استهلاکی) در کلام نویسنده محترم به توجه به ظهور آیات قرآنی، نصوص، فتاوی و اجماع فقها، نوعی اجتهاد درمقابل نص محسوب می‌شود و کلامی نا تمام است. سپس این که جمله «احل الله البيع و حرم الربا» را استینافی دانسته و آن را احاله به حکم عقل و ارتکاز عقلا تلقی کرده‌اند، دلیلی

بر اثبات مدّعی ایشان (اختصاص حرمت به ربای استهلاکی) نیست، زیرا به فرض که مطلب چنین باشد که آیه احاله به حکم عقل نموده است، هرگاه عقل را در این مسأله به داوری بنشانیم به این نتیجه می‌رسیم که ربا آثار مخرب و زیانبخش به همراه دارد، (مانند ۱. ظلم ۲. ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی ۳. بی‌عدالتی در توزیع ثروت و ایجاد اختلاف طبقاتی ۴. تخصیص ثروت و رفاه به سرمایه‌داران) (محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

اساساً ربا نوعی داد و ستد غیر منطقی و نامعقول و خارج از ضابطه است، در حالی که در معامله و خرید و فروش نسیه قیمت کالا افزایش نمی‌یابد؛ زیرا در بیع نسیه و مانند آن پول در مقابل کالا قرار می‌گیرد، در عین حال طرفین با رضایت خود معامله می‌کنند، ولی در مورد ربا مبلغ افزوده طرف مقابل ما بزاء ندارد، بلکه مبلغ اضافی در مقابل هیچ (لاشئی) قرار می‌گیرد و به همین جهت شارع اسلام آن را حرام اعلام کرده است (طبرسی، ۱۳۳۸، ج ۳، ص ۳۸۹).

بنابراین می‌توان گفت این ویژگی رباست که ریشه و اساس دیگر مفاسد مترتب بر آن محسوب می‌گردد، در نتیجه از این نظر بین اقسام ربا از مصرفی و تولیدی هیچ گونه فرق منطقی وجود ندارد و حکم صریح آیه ربا شامل هر دو قسم ربا می‌باشد.

بر اساس آن چه در بررسی تاریخی ربا به دست می‌آید، جای تردید نیست که هر دو قسم ربا از در زمان جاهلیت و آغاز طلوع اسلام وجود داشته است. بنابراین دلالت عمومی این آیات و سایر آیات ربا را مجمل و یا متشابه ندانسته‌اند و در دلالت و ظهور آیات مشکلی وجود نداشته است تا نیاز به گرفتن قدر متیقن از مدلول آیه باشد، در حالی که قدر متیقن از مدلول در صورتی صحیح است که در معنا قطعی و مسلماً جمال و ابهام وجود داشته باشد.

وانگهی موارد استثنا از کلیت حرمت ربا در احادیث معتبر وارد شده و فقهای عظام نیز در فتاوای خود آن موارد را ذکر نموده‌اند^(۱) (امام خمینی، بی تا، جلد ۱، ص ۵۳۹، محقق حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰۱

۱- مواردی که از حرمت ربا استثنا شده عبارت است از ۱. ربای بین پدر و فرزند ۲. ربای بین مرد و همسرش ۳. ربای مابین مسلمان و کافر حربی که مسلم می‌تواند از او اضافه بگیرد و بالعکس جایز نیست؛ ولی مشهور فقها گرفتن ربا را برای مسلم از کافر ذمی جایز ندانسته‌اند؛ زیرا مال ذمی محترم است؛ ولی شیخ مفید و سید مرتضی این مورد را نیز مستثنا دانسته‌اند و معتقدند که حدیث وارد شده در نفی ربا شامل کافر ذمی نیز می‌باشد. (شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۰)

و سید علی طباطبایی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۴۶).

در حالی که ربای تولیدی در شمار مستثنیات ربای حرام در هیچ یک از کتاب‌های فقهی ذکر نشده است.

بنابراین، طرح اجمال دلالت در آیه مذکور و دیگر آیات ربا منطقی و قابل قبول نمیباشد.

نکته دیگری که در این جا شایان ذکر است، این که آیه: "و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم" (بقره ۲۷۹)، خود شاهد روشنی بر ربای تولیدی است؛ زیرا در قرض‌های مصرفی (استهلاکی) معمولاً از وام مورد بحث به سرمایه تعبیر نمیشود، بلکه در این گونه موارد از عنوان قرض استفاده میشود؛ ولی

کاربرد این عنوان (سرمایه) در مور اموال تجاری و تولیدی رایج و متداول بوده است.

ناگفته نماند که آنچه در ادامه آیه آمده است: "و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره؛ اگر وام گیرنده در سختی و عسرت بود وام دهنده او را مهلت دهد"، هرگز شاهدهی بر اختصاص حکم مذکور به ربای مصرفی نیست، بلکه این حکم نسبت به هر دو قسم ربای رایج در جاهلیت عمومیت دارد؛ زیرا در ربای تولیدی نیز ممکن است تاجر بر اثر عوامل گوناگون گرفتار کمبود مالی و ورشکستی و مشکلات اقتصادی شود و در نتیجه برای بازپرداخت وام خود نیاز به مهلت داشته باشد. در این صورت احتمال اختصاص این حکم به ربای استهلاکی و استشهاد به آیه برای اثبات آن دلیل روشنی ندارد.

آیا ربای تولیدی از مصادیق ظلم نیست؟

سپس نویسنده محترم می نویسد: "ادامه آیه سوره بقره علت حرمت ربا را ظلم میدانند؛ ایها الذین آمنوا اتقواالله و ذروا مابقی من الربوا ان کنتم مومنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون" (بقره ۲۷۹).

... بنابراین علت حرمت ربا ظلم است و این ظلم در ربای استهلاکی متصور است؛ اما در ربای انتاجی و تولیدی چنین نیست."

جای شگفتی است که چگونه گرفتن مازاد بر اصل سرمایه در ربای تولیدی ظلم نیست! در حالی که اگر ملاک حکم در حرمت ربا این باشد که قرض گیرنده همانند فروشنده در ربای معاملی در مقابل پولی که اضافه داده چیزی دریافت نمی‌کند و قرض دهنده در برابر بهره‌ای که می‌گیرد، چیزی به طرف مقابل تحویل نمیدهد، بی تردید مسأله در هر دو صورت یکسان و ظلم روشن و غیر قابل انکار

است. اگر منظور این است که در قرض‌های استهلاکی قرض دهنده از طرف مقابل که نیازمند است اضافه می‌گیرد، ولی در وام‌های تولیدی چنین نیست؛ زیرا وام‌گیرنده به منظور سرمایه‌گذاری و تولید وام گرفته و اضافه می‌دهد و این کار در نهایت به سود جامعه است و چرخ‌های تولید در رشد اقتصادی را به حرکت می‌اندازد. در نقد این گفتار باید اهداف و مقاصد و نتایج کلان این جریان را مورد بررسی قرار داد.

بی‌شک هدف اصلی در اقتصاد اسلامی برقراری عدالت اجتماعی و توازن ثروت و جلوگیری از تراکم آن است. به همین سبب اسلام اغنیا را از تکاثر و اکتناز نهی نموده و از سوی دیگر به انفاق و ادای قرائض مالی فرمان داده است.

ولی در اقتصاد لیبرالیسم که سنگ اول بنای آن بهره و ربا ست و سرمایه‌داران بزرگ از این رهگذر بدون تحمل زحمت بیش‌ترین سودها را به کف آورده‌اند و آنان که در رده‌های بعدی قرار دارند، از همین سیستم پیروی می‌کنند و به همین گونه از رهگذر ربا به میلیون‌ها و ثروت هنگفت رسیده‌اند. سپس با توجه به محدودیت‌های مالی و به حکم قانون ظروف مرتبط پیوسته از دسترنج قشر کم درآمد کاسته شده و به ثروت این قشرها افزوده می‌شود. چگونه می‌توان گفت این جریان از مصادیق ظلم نیست؟

سپس با توجه به این که در راس شبکه سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی غول‌های ثروت و سرمایه‌داران صهیونیست قرار دارند و در همه کشورهای پیشرفته بشدت نفوذ کرده‌اند (تا آن جا که انتخاب رئیس جمهوری ها و سیاست‌های دولت‌های بزرگ غربی در اختیار آنها است) آیا می‌توان گفت این نوع رباخواری از مصادیق ظلم نیست؟ و آیا تحریم ربا از عوامل مهم تأمین عدالت اقتصادی به شمار نمی‌رود؟

امروزه از طریق بانک‌های ربوی هم رباخواران سودگزار می‌برند و هم سرمایه‌گذارانی که از بانک‌ها اعتبار دریافت می‌کنند. رباخواران از راه سود ناشی از ربای پول خود صاحب ثروت کلان می‌شوند، بدون این که در معرض خطر خسارت قرار گیرند و سرمایه‌گذاران از راه اعتبارات کلانی که باز و بند از بانک‌ها دریافت می‌کنند، و در کارهای بزرگ سرمایه‌گذاری کرده، سودهای کلانی دریافت می‌دارند. اگر بانک‌های ربوی وجود نمیداشت نه سود رباخواران به این شکل فزاینده می‌شد و نه امکان سرمایه‌گذاریهایی کلان برای سرمایه‌گذارانی محدود فراهم می‌شد و نه سود ناشی از

سرمایه‌گذارهای بزرگ برای آنان فراهم می‌گشت... اسلام با تحریم ربا جلو تفاوت درآمدها و ثروت‌های بی‌شمار ناشی از آن را گرفته است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶).

بنابراین برای تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی ناگزیریم پدیده زشت و مخرب ربا را از جامعه اسلامی حذف کنیم و به جای آن از عقود و قراردادهای شرعی به گونه‌ای صحیح و سازمان یافته در اعمال بانک‌ها و مناسبات اقتصادی استفاده کنیم.

سخن علامه طباطبایی در مورد ربای تولیدی

در تأیید مطالب گذشته در خصوص ظالمانه بودن ربای مصرفی و تولیدی، متن کلام مفسر بزرگ علامه طباطبایی (قدس سره) شایان توجه است:

"آنچه ذکر شد، در مورد ربای متداول، بین ثروتمندان و نیازمندان بود؛ اما آنچه در بین دیگران جریان دارد، مانند ربای تجاری که کار بانک‌ها بر پایه آن قرار گرفته یا ربای قرضی برای تجارت، پس کم‌ترین مفسده‌ای که در آن‌ها وجود دارد این است که این کار موجب افزوده شدن ثروت اغنیا می‌شود و سرمایه و قدرت سرمایه داران، بیش از اندازه واقعی گسترش پیدا می‌کند و با یکدیگر رقابت و مبارزه نموده، بعضی از آن‌ها برخی دیگر را می‌بلعند و سرانجام همه آن‌ها در برابر سرمایه دار قوی‌تر ناتوان و تباہ می‌شوند و پیوسته بر تعداد فقرا و نیازمندان جامعه، افزوده می‌شود و ثروت در انحصار اقلیت محدودی در خواهد آمد و مشکل یاد شده از نو پدید می‌گردد" (علامه طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۵۷).

اکنون با توجه به نظریات و تحقیقات یاد شده و با عنایت به قاعده قطعی و مسلم تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی در این مسأله جای تردید باقی نخواهد ماند که عنوان ربای حرام و ممنوع در شریعت اسلام شامل ربای تولیدی (انتاجی) و تجاری نیز می‌شود و ملاک ظلم و اجحاف و جلوگیری از اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی در هر دو قسم تحقق دارد.

استاد شهید مطهری نیز در این مورد چنین گفته است:

"از این تعبیر قرآن، به نظر میرسد که اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم میدانند و میدانیم که ظلم یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز... و در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقى آنچه را

استحقاق دارد، دادن و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما اصلاً نامشروع میدانند (مرتضی مطهری، ۱۳۷۵ ش، ص ۵۰).
 کلمه ظلم در این روایات به کار رفته (گرفتن ربا ظلم است و فنای اموال) مقصود از فنای اموال این است که اموال مردم کشیده میشود به طرف رباخوار. فتوای فقها هم در مورد ربا همین طور است که فرقی گذاشته‌اند میان ربایی که از نوع استهلاکی باشد یا از نوع استنتاجی باشد. (همان، ص ۵۵).
 بنابراین ربای تولیدی نیز در شکل خرد و جزئی آن، دسترنج کار طبقه زحمتکش و کم درآمد را به سوی سرمایه‌داران و بانک‌ها سرازیر می‌کند و پیوسته بر اموال سرمایه‌دار بدون تحمل رنج و اقدام به ریسک مواجهه با خطر مالی افزوده می‌شود و وام گیرنده با توجه به مسأله تورم و کاهش بی‌وقفه ارزش پول بویژه در کشورهایی که وارث یک اقتصاد بیمار و ناتوان هستند، از سودی نسبی بهره‌مند میشود؛ لذا نباید تصور کرد که آنچه در این گونه اجتماعات می‌گذرد وضعیت مطلوب اقتصادی است تا از آن به عنوان یک شاخص صحیح و قانون عادلانه مالی استفاده کنیم و برای تصحیح بیش تر و با توجه آن تلاش نماییم.

بلکه لازم است با این رویکرد به مسأله بنگریم که اصولاً پدیده ربا و بهره در ساختار امروز اقتصادی کشورها بسان ابزار در اختیار زورگویان و جهانخواران به منظور به اسارت کشیدن انسان‌ها عمل می‌کند و از این رهگذر ظلم و تجاوز و خشونت و بیرحمی را نسبت به ملت‌های زیر سلطه ثروتمندان به بدترین شکل‌ها به نمایش گذاشته است. لهذا برخی از فقها بصراحت هرگونه صحنه سازی برای تخلص از ربا را تحریم نموده‌اند؛ زیرا با توجه به فلسفه تحریم ربا و آثار مخرب آن در حیات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی جامعه، تلاش برای موجه ساختن آن در حقیقت امر و ماهیت ربا، تغییری ایجاد نمی‌کند؛ چنان که امام خمینی (ره) در این مورد گفته‌اند:

”برای خلاصی از ربا راه‌هایی را در بعضی از کتاب‌ها ذکر نموده‌اند؛ ولی من پس از تجدید نظر در این مسأله دریافتم که تخلص از ربا به وسیله هیچ یک از این امور جایز نیست و تنها موردی که می‌توان حکم به جواز آن داد، در ربای معاملی است که در صورت معامله کالا با همجنس آن با وزن بیش تر، صاحب کالایی کم تر می‌تواند چیزی را ضمیمه جنس خود نموده و با همان نوع کالا با وزن بیش تر معامله نماید“ (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۸).

بررسی ربای تولیدی از نظر فقهی

از نظر فقه شیعه هر گاه در عقد قرض، شرط شود که وام‌گیرنده هنگام پرداخت مبلغی برای اصل وام بیفزاید و پرداخت کند، این کار ربای حرام است و در این حکم بین موارد مختلف و هدف وام‌گیرنده از آن قرض فرقی نیست.

فقه‌های بزرگ در این مسأله از قرن‌ها پیش تاکنون اجماع و اتفاق نظر دارند.^(۱) صاحب جواهر در شرح کلام محقق حلی که گفته است اگر در قرض، شرط سود کند ربا و حرام است، می‌گوید: "در این مسأله خلافتی نیست و هر دو قسم اجماع از محصل و منقول در این مورد وجود دارد بلکه گفته اند که عموم مسلمانان بر این مسئله اجماع نموده اند" (شیخ محمد حسن نجفی جواهر الکلام، ۱۳۸۳، ج ۲۵، ص ۵؛ سید علی طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۷۶ و اردبیلی، بی تا، ج ۹، ص ۶۰).

بلکه می‌توان گفت در این مسأله همه فقه‌های مسلمین اعم از تشیع و تسنن اجماع و اتفاق نظر دارند.^(۲) (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۸۳، و ابن قدامه، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۴).

بی شک مورد اجماع همان ربایی است که قبل از اسلام متداول بوده و از آن به ربای جاهلی تعبیر می‌شود و چنان که یادآور شدیم اسناد و شواهد تاریخی گویای این حقیقت است که در ربای جاهلی هر دو قسم مصرفی و تولیدی رایج بوده است. بنابراین اجماع قطعی فقها نسبت به هر یک از این دو قسم عموم و شمول دارد (رشید رضا، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۳۹۲ و حرّ عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۱۰۴).

همچنین آیات قرآنی که در حرمت ربا نازل گردیده است، شامل هر دو قسم یاد شده، می‌باشد و یا به تعبیر دیگر: کلمه (الربوا) در آیات یاد شده بدون قید و شرط و مطلق است و ربا در قرض‌های انتاجی و تولیدی را نیز شامل می‌شود.

۱- محقق حلی گفته: "فلو شرط النفع حرم" صاحب جواهر در شرح آن گفته "بلا خلاف فیه بل الاجماع متّاً بقسمیه

علیه بل ریما قیل انه اجماع المسلمین

۲- وکلّ شرط فیه ان یزیده فهو حرام بغیر خلاف. قال ابن المنذر اجمعوا علی انّ السلف اذا شرط زیاده علی المستسلف

زیاده ام هدیه، سلف علی ذلک ان اخذ زیاده علی ذلک ربا

احادیث

از روایاتی که در مورد ربای قرضی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) رسیده است نیز حرمت ربای قرضی به طور کلی استفاده میشود. پیامبر اکرم فرمود: "کل قرض یجر منفعه حرام" (بیهقی، بی تا، ج ۵، ص ۳۵۰).

همچنین حضرت باقر (ع) فرمود: "کل قرض جز منفعه فهو ربا" (نوری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۹۲). نیز قرضی که موجب کشیدن سود برای وام دهنده شود ربا میباشد. در این زمینه از پیامبر اکرم (ص) روایاتی نقل شده است (شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۵، ص ۳۵۱).

همچنین: "و عن علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر (ع) قال سألته عن رجل أعطی رجلاً مائة درهم علی ان یعطیه خمسه دراهم او اقل او اکثر، قال هذا الربا المحض؛ علی بن جعفر گفت: از حضرت موسی بن جعفر (ع) سوال کردم از شخصی که به دیگری صد درهم قرض می‌دهد که او در عوض ۵ درهم یا کم تر یا بیش تر به او بپردازد. حضرت فرمود: این ربای خالص است" (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۴۳۷).

از برخی از روایات برمی‌آید که حتی اگر وام دهنده شرط کند که وام گیرنده کاری برای وی انجام دهد این قرض از مصادیق ربا می‌باشد؛ چنان که امام باقر (ع) فرمود: "هر کس به شخصی پول قرض می‌دهد، نباید غیر از مانند آن پول را برای وام گیرنده شرط کند. پس اگر وام گیرنده بیش تر و بهتر به او بپردازد، می‌تواند از او بپذیرد، ولی هیچ یک از شما به خاطر قرض دادن به شخص دیگری نباید سواری گرفتن چهارپا یا امانت گرفتن مالی را شرط کند" (همان).

به موجب این روایات که به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده کردیم، در قرارداد فرض هر گونه شرط اضافه پرداخت موجب می‌شود آن مورد از مصادیق ربای قرضی محسوب شود و محکوم به حرمت می‌باشد و در این حکم بین ربای مصرفی و تولیدی فرقی نیست، زیرا عموم و اطلاق این روایات همانند آیات قرآنی هر دو قسم را شامل میشود.

علاوه بر این از برخی از روایات قرض برمی‌آید که قرض تولیدی و سرمایه‌گذاری بین مسلمانان رواج داشته است و حکم آن نیز از امام (ع) سؤال شده است و امام در آن مورد پاسخ داده‌اند:

"عن اسحق بن عمار عن ابی الحسن (ع) قال: سألته عن الرجل یكون له علی رجل مال قرصاً فیعطیه الشی من ربحه فحافه ان یقطع ذلک عنہ فیأخذ ماله عن غیر ان یکون شرط علیه، قال لا بأس به ما

لم یکن شرطاً؛ اسحاق بن عمار گفت: از امام موسی بن جعفر سوال کردم درباره مردی که مالی را به دیگری قرض داده؛ سپس آن وام‌گیرنده از سود آن پول چیزی به قرض دهنده می‌دهد از ترس این که ممکن است او پول خود را پس بگیرد، بدون این که شرط کرده باشد که به او سودی بدهد. امام فرمود: هنگامی که شرط سود نکرده باشد دادن سود به او مانعی ندارد^۱ (شیخ طوسی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲۱، حدیث ۷۴۱۹).

بدون شک حدیث نسبت به رویکرد قرض تولیدی صراحت دارد؛ زیرا وام‌گیرنده از سود حاصله از سرمایه بدون شرط قبلی مبلغی را به وام‌دهنده پرداخته است. در این صورت امام فرمودند که این کار بدون شرط قبلی بلامانع است. مفهوم مخالف این جمله آن است که هر گاه پرداخت سود با شرط قبلی باشد، قطعاً ربا و حرام شرعی است.^(۱) چنان که نقش شرط قبلی در تحقق ربا در بسیاری از روایات دیگر نیز به صراحت ذکر شده است.

بنابراین از بعضی روایات خاص در باب قرض نیز حکم ربای تولیدی استفاده میشود و تردیدی باقی نمی‌ماند که این نوع سرمایه‌گذارها در صدر اسلام و زمان ائمه معصومین (ع) وجود داشته و احکام آن نیز بیان شده است و از نظر احکام بین ربای تولیدی و ربای استهلاکی فرقی نیست. برخی از اخبار دیگر که در این باب نقل شده است نیز همین مطلب را تأیید می‌کند.

ربای معاملی و سد ذرایع پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برخی از دانشمندان و فقهای اهل سنت ربا را دارای دو قسم دانسته‌اند:

۱. ربای جلی یا ربای نسیئه که عبارت است از مواردی که قرض‌گیرنده به جهت ناتوانی از پرداخت پول، تقاضای مهلت می‌کند و قرض دهنده در برابر مهلتی که به او می‌دهد دو برابر پول یا بیش تر از او در آینده دریافت می‌نماید. این نوع ربا را به ربای جاهلی محلق نموده‌اند و دلیل آن را حدیث نبوی می‌دانند که فرمود: *انما الربا فی النسیئه مسلم* (نیشابوری، بی تا، ج ۵، ص ۵۰).

۱- این مطلب از مصادیق مفهوم شرط است که مشهور اصولیین دلالت جمله شرطیه (در حکم معلق به شرط) را بر منطوق به موجب وضع و بر مفهوم به موجب اطلاق شرط دانسته‌اند و از نظر برخی از محققین، دلالت شرط بر مفهوم، غیر قابل تردید است. (خوئی، محاضرات فی الاصول ۵/۵۸، مظفر، محمد رضا ۱۰۸/۱).

۲. **ربای خفی**: این ربا همان ربای معاملی نقد است که آن را به ربای (فضل) محلق نموده‌اند و آن عبارت از این است که شخص با طرف مقابل کالای کیل کردنی و یا وزن کردنی را با همجنس خود با اضافه به طور پایاپای معامله کند. دلیل حرمت آن سخن رسول خداست که فرمود: "لا تبیعوا الدنیا ربا لدینارین و لا الدرهم بالدرهمین و لا الصاع بالصاعین فانی اخاف علیکم الرما (ای الربا)" (ابن قدامه، بی تا، ج ۴، ص ۶).

سپس تحریم ربای خفی را از باب (سد ذرایع) دانسته‌اند و حرمت ربا را به طور کامل مخصوص به ربای نسیئه تلقی کرده‌اند.

ذرایع جمع ذریعه به معنای وسیله رسیدن به چیزی است و سدّ ذرایع، منع هر چیزی است که به حرام منجر می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴).

"و الذریعه الوسیله و تذرع بذریعه: توسل و الجمع الذرایع" (طریحی، بی تا، ج ۷۴، ص ۳۲).

بر این اساس، آن چه اصالتاً تحریم شده است، ربای نسیئه است که حرمت ذاتی دارد، ولی حرمت ربای نقدی (ربای فضلی) برای جلوگیری از مبتلا شدن مردم به ربای نسیئه است و حرمت آن تبعی و مقدمی است (ابن قیم، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳).

رشید رضا پس از نقل کلام ابن قیم می‌گوید:

"و هذا التعامل من الربا الخفی الذی یمكن ادخاله فی عموم روایات الاحاد فی بیع احد النقدین بالآخذ و نحو ذلك فهو محرم لسد الذرایع كما قال ابن القیم لا لذاته و هو من الربا المشکوک فیه لا من المنصوص علیه فی القرآن الذی لا شک فیه" (رشید رضا، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۱۱۶).

این چنین او نیز بر سخن ابن قیم صحّه گذاشته و تحریم ربای فضلی را از باب سد ذرایع و مصداق ربای مشکوک دانسته است. ابن رشد در ربای ذرایع ۹ صورت مسأله ذکر نموده و می‌گوید تنها در دو صورت بین فقهای اهل سنت اختلاف است و در بقیه موارد همگان اتفاق نظر دارند که به جهت اجتناب از تطویل از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود (ابن رشد، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۶).

نقد نظریه سد ذرایع

از دیدگاه فقهای شیعه تقسیم یاد شده بر پایه سد ذرایع در سخنان ابن قیم و رشید رضا و امثال ایشان

ریشه و اساس درستی ندارد؛ زیرا:

۱. هرگز نمیتوان مدعی شد که همه یا بیش تر موارد ربای معاملی به ربای نسیه و دیگر اقسام ربای جاهلی منجر می‌شود، تا چنین نتیجه‌گیری گردد که تحریم آن، جنبه مقدمی داشته و اسلام برای بستن راه ابتدای به ربای نسیه از آن جلوگیری و آن را تحریم کرده است؛ بویژه با توجه به این رویکرد که تفاضل در ربای معاملی در غیر همجنس به اعتقاد بیش تر فقهای اهل سنت جایز و بدون اشکال است.

سپس استناد به حدیث نبوی "لا تبيعوا الدرهم بالدرهمین" بر فرض صحت سند آن به هیچ وجه مدعای آن را ثابت نمی‌کند؛ زیرا حدیث مذکور مطلقاً بر ذریعه (وسیله) بودن این کار برای ابتدای به ربای نسیه دلالت ندارد، بلکه ظاهر کلام پیامبر که فرمود: "فانی اخاف علیکم الرما یعنی الربا"، این است که فرض مورد بحث (خرید و فروش دو کالای همجنس با اضافه) از مصادیق ریاست و پیامدهای وخیم به دنبال دارد؛ زیرا ربا گناهی بزرگ است؛ لذا فرمود: "از ربا بر شما می‌ترسم". بنابراین حدیث بر حرمت ربای معاملی به عنوان سد ذریعه دلالت ندارد. علاوه بر این در حدیثی که از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده و علت حرمت ربا در آن آمده است: حکم حرمت استقلالی در مورد ربای معاملی تثبیت میشود.

حضرت رضا (ع) فرمود: "علت تحریم ربا این است که خداوند از آن نهی کرده است و نیز ربا موجب فساد و نابودی اموال است؛ زیرا انسان هر گاه یک درهم را به دو درهم بخرد، قیمت یک در هم یک درهم است و قیمت یک درهم دیگر باطل است؛ پس خرید و فروش ربوی در هر حال به زیان خریدار و فروشنده است، پس خداوند ربا را به خاطر این که موجب فساد اموال است تحریم نموده است (حرعاملی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱۲، ص ۴۲۵).

اکنون با توجه به ظاهر بودن دلالت حدیث در مورد ربای معاملی احتمال این که حرمت این نوع ربا به عنوان مقدمه برای ابتدای به ربای نسیه و از باب سد ذرایع باشد، به طور کلی منتفی خواهد بود.

۲. راه بودن و وسیله بودن کار برای انجام دادن کار واجب یا حرام در اصول فقه مذهب امامیه تحت عنوان "وجوب مقدمه واجب" مورد بحث قرار گرفته، به تبع آن حرمت مقدمه حرام نیز بررسی شده است. بنابراین اگر به فرض، ربای معاملی، مقدمه ابتلا به ربای نسیه باشد این مطلب باید بررسی شود که آیا مقدمه هر کار حرام مطلقاً حرام است؟ یا حرمت آن محدود به شرایط خاص میباشد؟ از

منظر فقهای شیعه، عقل، هر چند در معرفت احکام جایگاهی دارد و از جمله میتواند با استفاده از ملاک‌هایی که در دست دارد از وجود احکام شرعی در موارد خاص کشف نماید و حکم شرعی را تا حدودی مشخص نماید؛ به هر حال فقیه برای اثبات وجوب یا حرمت هر چیز به دلیل خاص نیاز دارد؛ زیرا عقل در بسیاری از موارد احکام برای کشف حکم راهی در اختیار ندارد.

سپس با رعایت این رویکرد که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند، در مورد مقدمه حرام می‌توان گفت: هر گاه آن مقدمه به انجام دادن کار حرام منجر گردد، بدون شک مقدمه حرام است و شخص مرتکب به خاطر ارتکاب اصل کار (ذی المقدمه) مورد مواخذه قرار خواهد گرفت؛ ولی اگر شخص مقدمه را انجام داد، ولی ذی المقدمه تحقق نیافت مرتکب به موجب انجام مقدمه به تنهایی مواخذه نمیشود، مگر این که دلیل خاصی بر حرمت مقدمه به خصوص در دست داشته باشیم که در این صورت حرمت نفسی و ذاتی مقدمه را دلیل خاص ثابت می‌کند و ریشه این حکم به موجب دلیل مفسده‌ای است که در انجام دادن مقدمه وجود داشته است.

۳. سد ذرایع مانند استحسان و قیاس هر چند نزد بسیاری از فقهای اهل سنت دلیل معتبر محسوب می‌شود و بر پایه آن فتوا داده‌اند، از نظر فقه شیعه جزء ادله ظنی به حساب می‌آید که هیچ‌گونه دلیلی بر حجیت آن نیست، مگر این که در مورد آن دلیل معتبر منقول (حدیث معتبر) یا معقول وجود داشته باشد که در این صورت آن دلیل پذیرفته خواهد بود و این گونه دلایل ظنی فاقد اعتبار میباشند، چنان که در این مورد گفته‌اند:

"بقی من الادله المعتمره عند جمله من علماء اهل السنه (الاستحسان) و (المصالح المرسله) و (سد الذرایع) و هی ان لم ترجع الی ظواهر الادله السعیه او الملازمات العقلیه لا دلیل علی حجیتها بل هی اظهر افراد الظن المنهیه عنه و هی دون القیاس من ناحیه الاعتبار". (مظفر، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۸۰).

نتیجه

نظریه برخی از اهل تحقیق مبنی بر فرق بین ربای تولیدی و مصرفی و حکم به حلیت ربای تولیدی (انتاجی) که قبلاً توسط برخی از دانشمندان مصری از اهل سنت مانند رشید رضا و ... اظهار شده است از دلایل متقن و قابل قبول برخوردار نیست؛ زیرا این نوع ربا بر خلاف آن چه ادعا شده در زمان جاهلیت و صدر اسلام وجود داشته است و حکم تحریم ربا به طور یکسان شامل ربای مصرفی و تولیدی می‌باشد، بویژه شواهدی در برخی از آیات و روایات وجود دارد که شمول ادله تحریم را شفاف‌تر می‌کند و از نظر فتوا نیز حکم به حلیت این نوع ربا در حکم خرق اجماع فقهاست.

علاوه بر این، در بررسی فلسفه حرمت ربا نیز از نظر حقوق اقتصادی بین دو قسم یاد شده از ربا فرقی نیست و ربای تولیدی همانند ربای مصرفی از مصادیق ظلم و اجحاف و موجب اختلاف شدید طبقاتی و جلوگیری از مصروف و اجرای عدالت است و موارد استثنا به ملاک‌ها و شاخص‌های احکام خدشه‌ای وارد نمی‌کند و آنچه تحت عنوان نظریه سد ذرایع در فقه اهل سنت در مورد ربای معاملی آمده است از نظر زیر بنا و روبنا در فقه مذهب تشیع پذیرفته نیست.

بنابراین برای رهایی از مشکل فراگیر ربا و بهره‌رایی بهتر از رویکرد به نظام مشارکت و تاسیس بانکداری اسلامی بر پایه عقود و قراردادهای اسلامی نمیتوان یافت. بدیهی است تهیه و تنظیم راهکارهای اجرایی این طرح و تطبیق کامل آن یا قوانین بانکداری اسلامی به عهده متخصصان پول و امور بانکی خواهد بود.

مآخذ

۱. قرآن کریم به خط عثمان طه.
۲. ابن ادريس، ابوجعفر محمد بن منصور حلی، السرائر، چاپ دوم، قم، موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن رشد، محمد بن احمد، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، دارالفکر لبنان، بیروت، بی تا.
۴. ابن قدامه عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه المغنی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، انتشارات جامعه مدرسین قم، بی تا.
۶. ابن قیم، جوزی، اعلام الموقعین عن رب العالمین (۴ جلدی) بیروت، دارالجلیل، بی تا.
۷. ابوعبید، قاسم بن سلام، الاموال، چاپ دوم: بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۵ ق.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، چاپ دوم، موسسه مطبوعات دارالعلم قم، بی تا.
۹. بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ربا، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۱ ش.
۱۰. بیهقی، احمد بن علی بن الحسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۱. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، تفضیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ دوم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ق.
۱۲. حسینی، دکتر سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، چاپ اول: تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ اول: تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نقد و نظر، سال دوم: شماره پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. رشید رضا، المنار فی تفسیر القرآن الحکیم، مصر، مطبعه المنار، ۱۳۴۶ ق.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام (الکتب الاربعه)، چاپ اول، قم، موسسه انصاریان، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. شوکانی، قاضی محمد بن علی، نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار، دارالجلیل لبنان، بیروت،

۱۹۷۳ م.

۱۸. شهید ثانی، شیخ زین الدین علی بن احمد عاملی، مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، دارالهدی للطباعة و النشر بی تا.

۱۹. صانعی، یوسف، ربای تولیدی، انتشارات میثم تمار، چاپ اول ۱۳۸۳ ش.

۲۰. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۱ ق.

۲۱. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، عن تاویل آی القرآن ۳۰ جزئی، بیروت، دارالفکر لبنان، ۱۴۱۵ ق.

۲۳. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۰ جلدی)، تهران، شرکه المعارف الاسلامیه، ۱۳۳۹ ش.

۲۴. طریحی، فخر الدین محمد بن علی، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه، بی تا.

۲۵. عاملی، سید محمدجواد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد الصلامه، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت للطباعة و النشر، بی تا.

۲۶. فیاض، محمّد اسحق، محاضرات فی الاصول (تقریرات درس آیة ا... خوئی) چاپ سوّم: قم، دارالهادی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.

۲۷. کتاب المقدس (تورات و انجیل) مجموعه کتب عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فارسی، لندن، ۱۹۳۳ م.

۲۸. محقق ثانی، علی بن الحسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ اول: قم، مؤسسه ال‌بیت، ۱۴۰۸ ه. ق.

۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (تعلیق سید صادق شیرازی)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۱۵ ق.

۳۰. مطهری، استاد شهید مرتضی، مسأله ربا بیمه، چاپ هفتم: قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.

۳۱. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ سوم: قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۶۸ ش.

۳۲. محمودی، سید محمد، مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا، چاپ اول: تهران،

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.

۳۳. نجفی، شیخ محمدحسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ دوم: تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ق.

۳۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۳ ق.

۳۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر لبنان، بی تا.

۳۶. مؤتمر الفقه الاسلامی، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه.

www.Naralkira.com/book/d5n.htm, 1384/01/2



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی